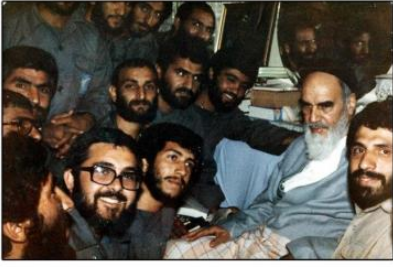


سپاهی که لایق پاسداری شد



بزرگترین رهبر شیعه جهان از بدو تاسیس نظام سیاسی جدیدش در کشور به طور مستمر ارکان سیاسی و نظامی حکومت را بر توجه به خداوند تبارک و تعالی و انجام وظایف...

بزرگترین رهبر شیعه جهان از بدو تاسیس نظام سیاسی جدیدش در کشور به طور مستمر ارکان سیاسی و نظامی حکومت را بر توجه به خداوند تبارک و تعالی و انجام وظایف و مسؤولیتهای محوله برای جلب رضایت الهی سفارش کردند. ایشان به فرماندهان خدوم ترین و مخلص ترین نیروی نظامی کشور که 72 روز بعد از تاسیس نظام جمهوری اسلامی متولد شد، تاکید کردند: «مبادا در لباس پاسداری از شما عملی صادر شود که موجب سرشکستگی اسلام باشد و خدای نخواستگفته شود پاسداران اسلام چون مأموران سازمان هستند.»

به گزارش ایسنا، 27 اسفند ماه چهل و یکمین سالگرد تصمیم تاریخی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در نامگذاری روز ولادت امام حسین(ع) به نام روز پاسدار است.

بنیانگذار جمهوری اسلامی به یکی از خدوم ترین نیروهای نظامی کشور گفتند: «پاسدارها از اینکه جبران عمل شما در این دنیا نمی شود، هیچ ابدأ افسرده نباشید، خوب، اعمالی که برای خداست جبران ندارد، مگر آنکه خدا پاداش بدهد. یک عمل صالحی که برای خدا باشد همه این دنیا هم جبران آن نیست.»

عصاره عشق

وجود مقدس امام حسین(ع) در روز سوم سال چهارم بعد از هجرت به دنیا آمد و شش سال ابتدایی زندگی را با پدر بزرگش (ص) زندگی کرد. ۳۰ سال از عمر با برکتش را در کنار پدر و خواهران و برادران بزرگوارش گذراند، ۱۰ سال را در کنار امام حسن(ع) زیست و 11 سال بقیه عمر مبارکش را به امامت مسلمانان پرداخت.

پیامبر مکرم اسلام (ص) بعد از ولادت حسین (ع) بین مردم حجاز به کرات از شدت علاقه خودشان و جایگاه نوه عزیزشان نزد باری تعالی سخن گفتند و مردم عصر خود را به خوبی از منزلت ایشان در ملکوت آسمانها و زمین آگاه کردند. از مهمترین جملات نبی مکرم اسلام درباره ایشان «حسین چراغ هدایت و کشتی نجات»، «حسین از من است و من از حسینم»، «هر کس حسین را دوست دارد، خداوند وی را دوست می دارد» و «حسن و حسین سرور جوانان بهشت هستند».

ابن خلدون مورخ قرن نهم اهل سنت در اندلس در واکنش به ابن عربی و سایر متفکران اهل سنت که قیام امام حسین (ع) بر ضد فساد و خروج یزید بن معاویه از دین اسلام را نکوهش کردند، با تأکید بر شرط بودن وجود امام عادل برای جنگ با ستمکاران، حسین(ع) را عادل ترین فرد در زمان خود برای جنگ با یزید بن معاویه دانسته و نوشته «وقتی فاسق بودن یزید بر همگان آشکار شد، حسین بر خود واجب دید که علیه او قیام کند، چون خود را دارای اهلیت و قدرت برای این کار می دانست.(1)

عباس محمود عقاد، نویسنده و ادیب مصری در قرن چهاردهم قمری و مؤلف کتاب «ابوالشهداء: الحسین بن علی» نوشته است که اوضاع در زمان یزید به حدی رسیده بود که جز شهادت آن را علاج نمی کرد. (2)

وی معتقد است که چنین قیامی تنها از سوی انسان هایی نادر رقم می خورد که برای این کار ساخته شده اند و نمی توان حرکت آنان را با دیگران مقایسه کرد؛ چرا که اینان گونه ای دیگر می فهمند و چیزی دیگر می طلبند.(3)

عمر فروخ نیز با تأکید بر اینکه سکوت در برابر ظلم به هیچ وجه جایز نیست، معتقد است ما مسلمانان امروزه نیاز داریم که «حسینی» دیگر در میان ما قیام کند و ما را به راه درست در دفاع از حق رهنمون سازد. (4)

چرا روز پاسدار؟

حاج شعبان رفاعی از پاسداران قدیمی بیت امام در شهرهای قم و تهران در خاطره ای گفت: امام همیشه می گفتند «شما که پاسدار هستید اول از خودتان پاسداری کنید.»

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دوم اردیبهشت 1358 فرمان تاسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به شورای انقلاب ابلاغ کردند و در ششم تیرماه همان سال در قالب پیامی خطاب فرماندهان سپاه، سوم شعبان روز ولادت امام حسین (ع) را روز پاسدار نامگذاری کردند و در همین پیام تعریف و منظورشان از دو واژه پاسدار و پاسداری را روشن کردند و در سلسله سخنرانی‌های مفصلی که از تیر 1358 تا لحظه رحلتشان داشتند هیچ نقطه تاریک و تعریف نشده‌ای از معنای پاسدار و پاسداری باقی نگذاشتند.

امام (ره) خطاب به پاسداران عصر خود و پاسداران انقلاب اسلامی هشدار دادند: «نکند خدای نخواستہ کاری کنید که مقام پاسداری لکه دار شود و مبادا در لباس پاسداری از شما عملی صادر شود که موجب سرشکستگی اسلام باشد و خدای نخواستہ گفته شود پاسداران اسلام چون مأموران ساواک هستند. ... و اکیداً از شما جوانان عزیز خواستارم که عناصر ناپاک را از خود دور کنید که عمل خلاف یک نفر ممکن است گروهی را بد نام کند.»

در پیام ایشان به سپاه در ششم تیر 1358 بیان کردند: «روز مبارک سوم شعبان المعظم را که روز طلیعة پاسدار و پاسداری از مکتب مترقی اسلام است، به عموم هم میهنان و بخصوص پاسداران انقلاب اسلامی تبریک عرض [] و بنامیم.

رهبر فقید انقلاب اسلامی ادامه دادند: «روز ولادت با سعادت بزرگ پاسدار قرآن کریم و اسلام عزیز است. پاسداری که هر چه داشت در راه هدف اهدا کرد؛ و اسلام عزیز را از پرتگاه انحراف رژیم طاغوتی بنی امیه نجات داد. رژیم منحط بنی امیه می رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی، و بنیانگذار اسلام را بر خلاف آنچه بوده معرفی کند. معاویه و فرزند ستمکارش به اسم خلیفه رسول الله با اسلام آن کرد که چنگیز با ایران؛ و اساس مکتب وحی را تبدیل به رژیم شیطنی نمود. اگر فداکاری پاسدار عظیم الشان اسلام و شهادت جوانمردانه پاسداران بزرگ و اصحاب فداکار او نبود، اسلام در خفقان بنی امیه و رژیم ظالمانه آنان وارونه معرفی می شد، و زحمات نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - و اصحاب فداکارش هدر می رفت.»

امام (ره) اظهار کردند: «هان، ای پاسداران عصر حاضر و انقلاب اسلامی ... نکند خدای نخواستہ کاری کنید که مقام پاسداری لکه دار شود و مبادا در لباس پاسداری از شما عملی صادر شود که موجب سرشکستگی اسلام باشد و خدای نخواستہ گفته شود پاسداران اسلام چون مأموران سازمان (سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ساواک) هستند. ... و اکیداً از شما جوانان عزیز خواستارم که عناصر ناپاک را از خود دور کنید که عمل خلاف یک نفر ممکن است گروهی را بد نام کند.»

بنیانگذار جمهوری اسلامی متذکر شدند: «ما امروز مواجه هستیم با گروههایی که در کمین نشسته و می خواهند اسلام و انقلاب شکوهمند اسلام را برخلاف آنچه هست معرفی کنند و به فتنه‌های مختلف اسلامی خرده گیرند؛ و آنچه در افراد غیر مسئول می گذرد به حساب نهضت و اسلام بیآورند. لهذا لازم است علمای اعلام، که راهنمای جامعه هستند، و کمیته‌ها و دادگاهها و پاسداران انقلاب کوشش کنند و نگذارند کسانی از روی شیطنت و توطئه یا از روی جهالت و بی اطلاعی از مبانی اسلام، رفتاری کنند که نهضت پاک اسلامی را واژگونه و مکتب مقدس اسلام و جمهوری اسلامی را لکه دار کنند. من از تمام گروههای مذکور می خواهم که به دولت موقت اسلامی کمک کنند؛ و دخالتهای مستقیم در امور دولتی و در عزل و نصب مأموران نکنند. دخالتهایی که موجب تضعیف دولت اسلامی می شود برخلاف رضای خداست و باید از آن احتراز شود.» (صحیفه امام جلد 8 ص 305 و 306)

مهمترین سخنان رهبر فقید انقلاب اسلامی درباره پاسداری و پاسداری به شرح زیر است:

4 خرداد 1358:

پاسداری فقط پاسداری مرز نیست. پاسداری یک معنای وسیعی دارد. هر یک از ما پاسداریم نسبت به دیگران. من باید نصیحت بکنم به شما؛ شما به من نصیحت کنید. من به شما بگویم که امروز که روز امتحان است خوب از امتحان بیرون بیایید. شما هم به من همین معنا را بگویید. من به شما عرض کنم که با مظلومها، با زیردستهای خودتان، خوب رفتار کنید؛ عادلانه رفتار کنید. شما هم به من بگویید همه ما مسئولیم؛ گلگم راع و گلگم مسؤل همه ما مثل شبانها هستیم؛ و همه ما مسئول هستیم از این شبانی. همان طوری که می دانید شبان نسبت به آن گوسفندهایی که زیردستش است محبت دارد، آنها را در جایی که علفزار باشد، در جایی که آب خوب باشد، می برد و آنجا تربیت می کند. همه ما نسبت به هم اینطور باید باشیم؛ مثل شبانی که گوسفندهای خودش را با محبت، بدون آزار، تربیت می کند، ما هم اینطور باشیم. مبادا که یکی از ما خدای نخواستہ حالا که آزاد است به آن دوست زیردستش، به آن شخص زیر دستش، تعدی بکند، تجاوز بکند. تعدی و تجاوز عبارت از همانهایی است که اسلام منع کرده است. (صحیفه امام، ج 7، ص 491)

من امیدوارم که همان طوری که شما پاسدارهای اسلام هستید، پاسداری از خودتان هم بکنید، پاسداری از نفس خودتان بکنید؛ نگذارید نفس سرکشی بکند، هر کاری می خواهد بکند. مهار کنید نفس خودتان را که تابع اسلام باشد. هرچه خدا می خواهد عمل بکنید. (صحیفه امام، ج 8، ص 122)

6 تیر 1358:

اگر پاسدارهای اسلامی ما پاسداری از خودشان هم بکنند که در این خدمتی که هستند یک خدمت صادقانه، یک خدمت عاشقانه برای اسلام و یک خدمتی که مستقیم در راه اسلام باشد اگر بکنند، اینها پاسداری را حقیقتاً عمل کردند... لهذا شما جوانها که پاسدار جمهوری اسلامی هستید و روحانیون که پاسدار احکام اسلام و قرآن هستند وظیفه تان زیاد و شغلتان شریف. شغل شغل شریف؛ برای اینکه پاسداری از اسلام یک شغل بسیار شریفی است؛ و مسئولیتش هم زیاد است. باید حفظ کنید این حدود و ثغور اسلامی را. فقط این نباشد که ما پاسدار هستیم، ما هم بگوییم ما روحانی هستیم، شما هم بگویید ما پاسدار، و خدای نخواست به وظایفی که پاسداران و روحانیون باید عمل بکنند ما یکوقت خدای نخواستیم نکنیم. باید همان طوری که مدعی هستیم ما که ما پاسدار هستیم و پاسدار جمهوری اسلام و پاسدار احکام اسلام هستیم، باید خودمان ابتدائاً مرزمان همان مرز اسلام باشد، راهمان همان راه مستقیم اسلام باشد؛ تا این ادعای ما پیش خدا قبول بشود.

اگر فرض بفرمایید که مردم هم مطلع نشوند که ما برخلاف داریم عمل می کنیم، خدا که می داند؛ در محضر خداست. در پیشگاه خدا ما نمی توانیم آن وقت ادعا کنیم که ما پاسدار هستیم. برای اینکه ما که خودمان برخلاف موازین اسلام خدای نخواستیم عمل بکنیم، بعد بخواهیم ادعا کنیم که ما نگهبان اسلام هستیم، کسی که خودش برخلاف اسلام عمل می کند نمی تواند بگوید من نگهبان هستم؛ یک کسی که خودش دزد است نمی تواند بگوید من نگهبان هستم، من پاسبان هستم. پاسبان وقتی دزد باشد پاسبان نیست؛ دزد است. پاسدار خدای نخواستیم اگر برخلاف موازین اسلام باشد، پاسدار نیست. این یک آدمی است که برخلاف اسلام است. (صحیفه امام، جلد 8، ص 317)

12 تیر 1358:

پاسداری از جمهوری اسلام و مکتب اسلام این است که ما اعمالمان همان طوری که اسلام مقرر فرموده است باشد. اگر اعمال پاسدارهای جمهوری اسلام همان اعمال اسلام باشد، موافق رضای خدا باشد، با بندگان خدا رفتارش رفتار برادرانه باشد، حتی [با] آنهایی هم که معصیت کار هستند. (صحیفه امام، ج 8، ص 379)

بنابراین، از من تا آقا، تا همه اقشار ملت، الان پاسداری از اسلام به این معنا [ست] که همچو پاسداری بکنیم که بهانه دست این اشخاصی که بهانه گیر هستند و جرم من را و جرم شما را پای مکتب حساب می کنند، یک همچو بهانه ای دست اینها ندهیم. از خودمان پاسداری کنیم. بدانیم که ما تحت مراقبت دشمن هستیم؛ تحت مراقبت دوست هستیم؛ تحت مراقبت اولیای خدا هستیم؛ تحت مراقبت خدا هم هستیم. عالم محضر خداست، الان ما در محضر خدا هستیم. خدا همه جا هست؛ حضور دارد. اگر خلافی بکنیم، در حضور خدا خلاف کردیم؛ در محضر خدا خلاف کردیم. و با ادعای به اینکه جمهوری اسلامی است و الان هم رژیم، رژیم جمهوری اسلامی است، اگر خدای نخواستیم ما به وظایفی که باید پاسدار عمل کند [عمل نکنیم]، من هم پاسدارم، آقا هم پاسدار است، و شما همه، همه ملت اسلام پاسدار اسلامند؛ گنگم راع و گنگم مسؤل همه باید رعایت بکنند، همه مسئول هستند، اگر بنا باشد که خدای نخواستیم در یک قطعه از زمان که حساسترین قطعات زمان است بر کشور ما و بر اسلام، اگر خدای نخواستیم از پاسدار، چه پاسدار روحانی، که آنها هم همه پاسدارند - روحانیون - و چه شما آقایان که پاسدار هستید، اگر از این دو قشر پاسدار اشتباه و خطایی واقع بشود، اینهایی که دشمن اند پای اسلام حساب می کنند. دوستها نه، دشمنها پای اسلام حساب می کنند و مکتب ما را می کوبند، و این یک مسئولیت بزرگی است برای همه. (صحیفه امام، ج 8، ص 388)

20 تیر 1358:

همه باید پاسداری بکنیم؛ لکن یک پاسداری است که از قوه جوان برمی آید؛ یک پاسداری است که از ماها، که با صحبت باید. (صحیفه امام، ج 9، ص 45)

2 مهر 1358:

روحانیون و پاسداران هر دو طایفه پاسدار هستند؛ پاسدار اسلام. همه ملت، پاسدار اسلام باید باشند: گنگم راع. همه باید

مراعات کنید، همه تان «راعی» هستید، همه مردم، و همه هم مسئول هستند؛ یعنی همه باید همان طوری که یک شبانی یک گله ای را می برد و رَعی می کند و می چراند و به جاهای خوب باید برود، مسئول این است که این را به جاهای خوب و به علفچراهای خوب برود و به آبهای خوب، و مسئول است پیش صاحبان او به اینکه چرا نبردی؟

همه ما آن حال را داریم، مسئولیم در مقابل خدا و در مقابل وجدان. و همه مان باید مراعات بکنیم؛ یعنی نه اینکه مراعات خودمان را؛ من مراعات همه شما را بکنم؛ شما هم هر یک مراعات همه را. یک همچو برنامه است که همه را وادار کرده که به همه «چرا» بگوییم، همه را، به هر فردی، لازم کرده به اینکه امر به معروف کند. اگر یک فرد خیلی به نظر مردم مثلاً پایین یک فردی که به نظر مردم خیلی اعلا رتبه هم هست، اگر از او یک انحرافی دید، بیاید - اسلام گفته برو به او بگو نکن - بایستند در مقابلش بگویند این کار انحراف بود نکن. می گویند عمر گفت - در وقتی که خلیفه بود - که من اگر چنانچه خلافی کردم به من مثلاً بگویند و چه بکنید. یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این مقابل تو می ایستیم. اگر تو بخواهی خلاف بکنی، ما با این شمشیر مقابلت می ایستیم.

تربیت اسلامی این است که در مقابل اجرای احکام خدا و در مقابل راه انداختن نهضت‌های اسلامی، هیچ ملاحظه از کسی نکند. این آقاست این غیر آقا، این پدر است این پسر است، این رئیس است، این مَرئوس است، ابدأ این مسائل نباشد در کار. مسأله این باشد که این آیا به طریق اسلام دارد عمل می کند یا نه. به طریق اسلام عمل می کند، هر فردی باشد باید از او قدردانی کرد و تشویق کرد و محبت به او کرد. برخلاف اسلام که باشد، هر فردی می خواهد باشد، یک روحانی عالیمقام باشد، یک آدمی باشد که مثلاً رأس باشد، یک سرکرده باشد، وقتی دیدند برخلاف مسیر دارد عمل می کند، هر یک از افراد موظفند که به او بگویند که این خلاف است، جلوی او را بگیریم.

الآن شما اسم شریف پاسداری برایتان ثبت است؛ پاسدار اسلام، پاسداران انقلاب اسلامی، پاسدار انقلاب اسلامی، لفظ نیست، واقعیت است، یک واقعیتی است. این واقعیت است که شما هر جا اگر یکی پیدا بشود و برخلاف مسیر اسلام بخواند یک کاری بکند و یک گروهی چه بکند، این واقعیت است که شما را می کشاند آنجا، حرکت می کنید به آنجا، آن فتنه را خاموش می کنید. این یک واقعیتی است که چنانچه ما اسما پاسدار بود و واقعیتمان پاسدار اینکه خودمان را، از خودمان پاسداری بکنیم که برخلاف مسیر اسلام حرکت نکنیم. از پاسدار وقتی برخلاف پاسداری یک چیزی دیده بشود، نمی گویند این آقا این کار را کرده؛ می گویند پاسدارها اینطوری هستند. و این یک مسئولیت بسیار بزرگی است که به عهده تان هست، به عهده ما هم هست. ما هم، در بین ما هم، این مسأله است که اگر یک اهل علم خدای نخواست یک خلافی بکند، می گویند آخوندها اینجورند، می روند سراغ آخوندها. اگر یک کمیته ای یک کاری بکند، می گویند این کمیته ها، کمیته های اسلام اینطوری است. دشمنها ایستاده اند که از «شخص» مطلب را ببرند بالا، برسانند به «نوع»؛ از آنجا ببرند بالا برسانند به «اسلام». دشمنهای ما اینطوری؛ این کاره اند، فکر این مطلب هستند؛ یعنی آن مرکزی را که از آن ترسیده اند می خواهند بگویند؛ و آن اسلام است، آن را می خواهند بگویند. گاهی به اسم معممین می گویند؛ گاهی به اسم پاسدارهای اسلامی؛ گاهی به اسم کمیته های اسلامی؛ گاهی به اسم دادگاههای اسلامی، اینطوری.

ما موظفیم که بهانه دست این اشخاصی که غرض دارند ندهیم. هر یک خودمان را مواظبت کنیم و پاسداری از خودمان بکنیم؛ و هر یکمان از رفقا فرض کنید پاسداری بکند. آقا خودش را حفظ بکند؛ و مأمور حفظ شما و شما و شما هم هست. نه این است که مأمور است [برای] خودش؛ مأمور است خودش نماز بخواند؛ نخیر مأمور است که شما را وادار کند به نماز خواندن؛ من را وادار کند به نماز خواندن، همه مأموریم. خودش فقط مثلاً بدگویی به مردم نکند بی جهت؛ این خودش هست؛ اگر شما هم کردید، این مکلف است؛ یعنی تکلیف الهی دارد به اینکه جلوتان را بگیرد. امر به معروف و نهی از منکر دو اصلی است در اسلام، که همه چیز را می خواهد اصلاح کند؛ یعنی با این دو اصل می خواهد تمام قشرهای مسلمین را اصلاح بکند. به همه مأموریت داده، به همه، به تمام افراد زیر پرچم مأموریت داده که باید وادار کنید همه را به کارهای صحیح، و جلوگیری کنید از کارهای فاسد. اینطور نیست که شما فقط یک مأموریتی دارید، و آن این است که خودتان یک کارهای خوبی بکنید، از کار بد احتراز کنید. مأموریت زیادتر از این است، خودتان و همه را، هم خودتان، هم همه را، و هیچ فرقی هم بین قشرها در این امر نیست که همه باید اطاعت خدا بکنند و همه باید حفظ این پاسداری را بکنند، مهم این است. پاسداری خیلی شریف است، برای اینکه خدمتگزاری به اسلام است؛ حفظ اسلام است. و مسئولیتش خیلی زیاد است، برای اینکه اگر خدای نخواست پاسدار برخلاف مقررات پاسداری و برخلاف مقررات پاسداری اسلامی عمل بکند، یکوقت می بینید که با قلم اشخاصی که می خواهند چهره اسلام را وارونه نشان بدهند، آنها به فعالیت می افتند و بهانه دستشان می آید و اسلام را بد معرفی می کنند، و مکتب ما خدای نخواست یکوقت شکست بخورد. اگر مکتب ما شکست بخورد، رفتیم تا آخر؛ تمام شده دیگر کار. اگر در این زمان، در این زمانی که این نهضت پیدا شد و این قلدرها را، این چپاولگرها را، همه را خارج کرد و بیرون کرد همه را، اگر به جای او یک غارتگر و چپاولگر به حدود خودش بنشیند، نهضت ما از بین می رود، و مکتب ما شکست می خورد. و این به عهده من و شما و همه است؛ باید حفظش بکنیم. (صحیفه امام، ج 10، ص 112.109)

همه ما و همه ملت باید پاسدار باشد و پاسدار از اسلام و قرآن کریم باشد. این راه مستقیم است؛ راه پاسداری از اسلام، راه مجاهده در راه اسلام، در راه خدا، این راه مستقیم است. این همان صراط مستقیمی است که شما در نماز

از خدا می خواهید. انحراف پیدا نکنید که انحراف یک طرفش مَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ است، و یک طرفش ضالین، است. (صحیفه نور، ج 12، ص 367)

پاسداری این است که؛ این حکومت، حکومت «عدل» باشد، و «پاسداری از عدالت» باشد. پاسداری از عدالت این است که؛ پاسدار خودش موصوف به عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند. اگر خدای نخواستہ یک پاسداری، یک گروهی، در جامعه ما موصوف به عدالت نیستند و همان طوری که دستگاه سابق دستگاه تعدی و ظلم و تجاوز به مردم بود، این گروه یا این پاسدار یا این جمعیت، هرکس باشد، این هم تا آن اندازه که دستش می‌رسد همان کارهای رژیم سابق را بکند، این پاسدار نمی‌تواند باشد.

15 خرداد 1359:

اگر بنا باشد که سپاه پاسداران به طور هرج و مرج کار بکنند، هر که، هر جا چهار نفر باشد برود به مردم تعرض بکند و مال مردم را - خدای نخواستہ - بگیرد، این پاسدار اسلام نمی‌شود، این طاغوت است به صورت دیگر درآمده. صحیفه امام، ج 12، ص 408

24 خرداد 1359:

من امیدوارم که این زحمت‌هایی که جوانهای ما می‌کشند، [پاداش] اینها نظیر [پاداش] همان جوانهایی [باشد] که در صدر اسلام زحمت می‌کشیدند و دنبال این نبودند که از مردم به آنها یک مرحبایی گفته بشود، یا یک اجرتی بگیرند. گاهی همین لشکرهایی که در صدر [اسلام] بودند و آنطور زحمتها را می‌کشیدند در تاریخ ثبت است که گاهی اینقدر فقیر بودند که در حال جنگ، شبانه روز با یک خرما زندگی می‌کردند، گاهی از این هم بدتر می‌شد، که یک خرما را این آدم می‌گذاشت دهنش، همین که احساس می‌کرد شیرینی را، از دهانش در می‌آورد می‌داد آن یکی، آن هم به آن یکی، آن به دیگری، و هكذا؛ ولی خدمت کردند برای اسلام، و اسلام را عظمت دادند و گسترش دادند و حالا رسیده است به ما، حالا نوبت ماهاست. پاسدارهای ما، شما آقایان، همه، از اینکه مثلاً در اینجا جبران نمی‌شود هیچ ابداً افسرده نباشید، خوب، اعمالی که برای خداست جبران ندارد، مگر آنکه خدا [پاداش] بدهد. یک عمل صالحی که برای خدا باشد همه این دنیا هم جبران آن نیست. (صحیفه امام ج 12، ص 434&435)

26 دی 1360:

«شما باید خدا را شکر کنید که این عملیات اسلامی به دست شما اجرا می‌شود، هر کس توفیق این عمل را ندارد. امروز صبح بعد از ملاقات با تنی چند از پاسداران به این فکر افتادم که ای کاش من هم یک پاسدار بودم، اینها چه می‌کنند و من چه کار. آنها می‌روند با دشمن اسلام می‌جنگند و من در اینجا هستم و نمی‌توانم. شما قدر خودتان را بدانید. خداوند به شما عنایت داشته است که شما را مهیا کرده تا قرآن کریم و اسلام عزیز و میهن اسلامی را حفظ کنید. نظام الهی مقرر کرده است تا شما برای خدمت به اسلام انتخاب شوید و این پیش خدا ثبت است و ملائکه الله و خداوند پشتیبان شماست و دلتان قوی باشد. هر قدمی که برای اسلام برمی‌دارید قدمی است الهی که خدا برای شما پیش آورده است. شما روی تدبیر و فکر عمل کنید، دیگر نه از کشتن بترسید و نه از کشته شدن. عمده این است که قصدتان خالص باشد که بحمدالله می‌هست. روحیه قوی این جوانان بیست ساله از اموری است که انسان را به تعجب وامی‌دارد. مقصد امروز ما این است که این کشور آفت زده، غریزه و سلطنت زده را به اسلام برگردانیم و غرضی غیر از این نداریم». (صحیفه امام، جلد 15، ص 496)

6 خرداد 1361:

سپاه پاسداران که رکنی بزرگ در پیروزی انقلاب اسلامی است با اقتدا به مولای خود سید مظلومان - علیه الصلوة و السلام - نجاتبخش ملت ایران و اسلام عزیز از شبهای تاریک و ظلمانی ستمشاهی بوده، و در پاسداری از انقلاب و هدفهای آن عاملی مؤثر و رکنی رکین بوده و هست. سپاه در جبهه های دفاع مقدس از اسلام و میهن اسلامی، با وحدت و انسجام کامل با ارتش معظم و بسیج عزیز و زاندارمیری و عشایر مکررم و سایر قوای نظامی و انتظامی و مردمی، چون صفی آهنین و بنیانی مرصوصپایداری نموده و دشمنان اسلام و بشریت را از میدانهای نبرد مفتضحانه رانده است، و برای خود و اسلام و میهن معظم

ایران افتخارهایی آفریده است که تاریخ فراموش نخواهد کرد، و حضرت بقیة الله - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - از نظر مبارک نخواهد برد، و پروردگار - جل و علا - بر خدمتگزاران به اسلام و میهن اسلامی، که این رزمندگان بحمدالله تعالی از آناند، رحمت و برکت خود را دریغ نخواهد فرمود.

من به دولتهای عربی منطقه هشدار می دهم که با تسلیم شدن در مقابل اینگونه طرحها، علاوه بر قبول اسارت خویش به دست امریکا و از آن ننگینتر اسرائیل، دشمنی ملت و دولت و قوای مسلح نیرومند ایران را برای همیشه به بار می آورد. و اگر امروز به دامن اسلام برنگردید، فردا دیر است.

شما به مطبوعات و رسانه های گروهی خود اجازه ندهید که به تبعیت از بوقهای ابرجناپیکاران، به سمپاشی و تهمت و افترا نسبت به کشور و نظامی که می خواهد با همه مسلمانان و دولتهای منطقه با برادری و حُسن جوار رفتار کنند مشغول باشند. شما که هر روز شاهدید که رئیس جمهور محترم و دولت و مجلس ایران کراراً شما را نصیحت نموده اند و به دوستی دعوت کرده اند، و می خواهند قدرت عظیم اسلامی ایران را برای دفع دشمنانی که به کشورهای شما چشم طمع دوخته اند، در کنار شما به کار برند، و شما و ذخایر شما را از حلقوم جهنمی جهانخواران برای نفع ملتهای شریف مظلوم منطقه بیرون کشند.

آن روز که اول انقلاب بود و ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح ما آمادگی کافی نداشتند، صدام با همه تجهیزات و خیانت بعضی عناصر دست اندر کار، ناگهان از زمین و هوا و دریا به ایران تاخت و غافلگیرانه قسمت بزرگی از کشور ما را اشغال نمود. نیروهای مؤمن و جوانان فداکار به مجرد اطلاع راه را بر آنان بستند، و عقابان تیز پرواز نیروی هوایی مواضع نظامی سرتاسر عراق را در هم کوبیدند، و اگر نبود تعهد اسلامی آنان و خوف هلاکت بیگناهان و خرابی اماکن ملت برادر عراق که تاکنون نیز دست آنان را همین انگیزه بسته است چنان درس عبرت آمیزی به حزب کافر بعث می دادند که بعضی از دولتهای منحرف منطقه و غیر آن هوای مبارزه با ملتی که شهادت را تحفه آسمانی می دانند، به سر نپوراند.

و اما امروز که با سپاس خداوند متعال و تأییدات غیبی و عشق و ایمان سرشار ملت، قوای مسلح از سپاه پاسداران و بسیج و عشایر و نیروهای مردمی و قوای نظامی و انتظامی و کمیته ها و دیگر نیروها به انواع سلاحها و صلاحها مجهز و آماده هستند، و فریاد شهادت طلبی و «جنگ، جنگ تا پیروزی» آنان فضای ایران بلکه جهان را به هیجان و لرزه درآورده است، و از موضع قدرت عظیم، دست پربرکت و قدرتمند خود را برای دوستی و برادری ایمانی پیش تمام مسلمین خصوصاً ملتها و دولتهای منطقه و همسایه دراز کرده و آنان را نصیحت می کنم که صلاح دنیا و آخرت اینان نیست که با خیال خام پشتیبانی از مصر و اردن و دیگر خائنان به ملتهای خود و اسلام عزیز هر روز گرد هم آیند و بخواهند توطئه های امریکای جهانخوار را جامه عمل بپوشانند.

اکنون به مناسبت روز بزرگ ولادت سراسر افتخار و با سعادت پاسدار عظیم الشان اسلام و قرآن کریم که با خون خود و یاران و عزیزان ارجمندش نعره کفرآمیز یزیدیان را که عربده کشان ندای «لَا حَبْرَ جَاءَ وَ لَا وَحْيٌ تَزَلُ» را سر می دادند، در حلقوم نحسشان خفه کرد، و روز پاسداران عاشق پیشه فداکاری که با خون پاک خود و سایر رزمندگان عزیز، نعره های عربده آسای سردار قادسیه عصر را با یاران تبهکار جنایت پیشه اش در حلقوم کفراندیشان شکست، سخنی با این منادبان حق و مبارزان دشمنان حقیقت در میان می گذارم و این تذکری است برای آگاهان:

برادران محترم و نور چشمان عزیز! مبدا آفتهای پیروزی که در رأس آنها غرور است، خدای ناخواسته شما را به دام کشد و از صاحب اصلی «نصر» که خداوند قادر است اغفالتان نماید، که این حيله ای است شیطانی که دنبال آن علاوه بر از دست رفتن معنویت که اساس پیروزی شما عزیزان است، موجب غفلت از حيله های دشمنان نیز می باشد که شکست را همراه دارد. باید شما قوای نیرومند مسلح و ملت عظیم الشان پشتیبان شما از تبلور جلوه قدرت الله در خود هیچ گاه غافل نشوید
مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ تَنْصُرُ مِنَ اللَّهِ وَ قَتَحْ قَرِيْبُوْا
إِنَّا قَتَحْنَا لَكَ قَتْحًا مُّبِيْنًا
است.

یکی دیگر از اموری که باید تمام قوای مسلح و خصوصاً آنان که در شهرها سر و کارشان با مردم بیشتر است، مثل سپاه پاسداران و بسیج و کمیته ها و شهرداری توجیه کنند، رفتار نیکو و انسانی آنان است با مردم، بویژه مستضعفان. مردمی که از جمهوری اسلامی و رزمندگان جبهه ها با تمام توان پشتیبانی می کنند، سپاه و سایرین باید قلوب آنان را جلب و رضای خداوند را به دست آورند. و ملت عزیز نیز قدر این فداکاران را - که شب و روز خود را برای حراست از اسلام و کشور و حفاظت آنان صرف می کنند - بدانند و از آنان قدردانی نمایند. صحیفه امام، جلد 16 ص 263 & 266

26 اردیبهشت 1362:

مادامی که ما پاسدار واقعی باشیم کشورهای بزرگ نمی توانند کاری انجام دهند؛ و علت فشار دنیا هم این است که می بینند

در این مملکت نه کودتا معنی دارد و نه هجوم نظامی، و ایران از نظر منطقه و اسلام قدرت خاصی پیدا کرده است، لذا ما را آرام نمی گذارند. و ما باید به همه سفارش کنیم که برای اسلام خدمت کنند و همه در صف واحدی قرار بگیریم که انحرافی پیش نیاید، و باید همیشه احساس کنیم که تنها خودمان هستیم در برابر این همه دشمنان. باید این بار بزرگ را به منزل برسانیم و در این راه متحد باشیم و گرایش خاص به این گروه و آن گروه نداشته باشیم. (صحیفه امام، ج 17، ص 439-440)

22 بهمن 1362:

هر انسانی که مشغول کاری می شود البته مشکلات دارد و کسی که بخواهد مشکلی در کاری نباشد باید مثل مرده ها در قبرستان برود و یا منزوی باشد. اگر قرار باشد افراد متعهد کنار بروند. مسئول هستند. آنان که کمر برای حفظ اسلام بسته اند باید اگر همه هم رفتند، آنها بمانند. ان شاء الله همه موفق و مؤید باشید که همانطور که تا به حال عمل کردید بعد از این هم عمل کنید. (صحیفه امام، ج 18، ص 348)

منابع:

1- ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، دار احیاء التراث العربی، ج 1، ص 216 و 217

2- عقاد، ابوالشهداء، 1429ق، ص 207

3- عقاد، ابوالشهداء، 1429ق، ص 141

4- فروخ، تجدید فی المسلمین لا فی الإسلام، دار الکتب العربی، ص 152